



Polygamy and Its Impact on Family Stability in Personal Status Laws of Islamic Countries

Siamak Qiasi ¹

1.°Assistant Professor, Law Department, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. Email: sqiasi52@gmail.com

Abstract

Polygamy refers to having more than one spouse. When this term is associated with marriage, it denotes having more than one wife. Islamic law has restricted polygamy to two conditions: first, observing justice among wives, and second, having the financial capability to provide for the maintenance and management of the women under one's care. Islamic jurists unanimously agree on the permissibility and legitimacy of polygamy. This phenomenon has positive aspects, including the realization of religious benefits, the formation of a family filled with affection and mercy, addressing the need for population growth, and alleviating certain social problems. However, the application of polygamy comes with challenges, such as injustice and discrimination among wives, financial incapacity, and psychological distress in children. There is no uniform stance on polygamy in the personal status laws of Islamic countries. In some Islamic countries, polygamy is entirely prohibited, legally invalid, and punishable by law. In others, marrying more than one woman is not permitted without court approval. Meanwhile, in some Islamic countries, remarriage is allowed under specific conditions. In most Islamic countries, polygamy is accepted based on jurisprudential reasoning and the established practice of Muslims. This study, through the description and analysis of jurisprudential and legal propositions, examines and critiques the aforementioned positions and their arguments. Ultimately, it defends the legitimacy and permissibility of polygamy and its positive impact on family stability, considering it consistent with the explicit meaning of religious texts.

Keywords: Polygamy Family Stability Personal Status Islamic Countries Justice Among Wives Islamic Law Family Relations.

Received: 16/04/2025; **Revised:** 15/07/2025; **Accepted:** 20/08/2025; **Published online:** 15/09/2025.

How To Cite: Qiasi, S. (2025). Polygamy and Its Impact on Family Stability in Personal Status Laws of Islamic Countries. *Private Law Doctrines of Islamic Countries*, 2(2), 19-40. <http://www.diplic.qom.ac>. doi.org/10.22091/diplic.2025.12767.1054

Published by: University of Qom

The Author(s)

Article type: Research





تعدد زوجات و تأثیر آن بر ثبات خانواده در احوال شخصیه کشورهای اسلامی

غیاث الدین (سیامک) قیاسی سررکی^۱

۱. استادیار گروه حقوق، دانشگاه بین المللی المصطفی، قم، ایران. (نویسنده مسئول): رایانامه: sqiasi52@gmail.com

چکیده

تعدد به معنای افزون بر واحد است و هنگامی که این واژه به همسر منضم گردد، بر بیش از یک همسر دلالت می‌کند. شریعت اسلامی تعدد زوجات را به دو شرط مقید ساخته است: نخست، رعایت عدالت میان همسران؛ دوم، توانایی مالی برای تأمین نفقه و اداره امور زنانه که تحت تکفل هستند. فقه‌های مذاهب اسلامی بر مشروعیت و جواز تعدد زوجات اتفاق نظر دارند. این پدیده دارای وجوه مثبتی است؛ از جمله تحقق آثار دینی، تشکیل خانواده‌ای سرشار از مودت و رحمت، پاسخ‌گویی به نیاز افزایش نسل و تخفیف برخی معضلات اجتماعی. با این حال، کاربست نظام تعدد زوجات با چالش‌هایی همراه است؛ از قبیل ظلم و تبعیض میان همسران، عدم تمکن مالی و ایجاد اضطراب روانی در فرزندان. در قوانین احوال شخصیه کشورهای اسلامی نسبت به تعدد زوجات موضع واحدی وجود ندارد. در برخی از کشورهای اسلامی، تعدد زوجات به‌طور کلی ممنوع گردیده و از نظر حقوقی باطل فرض شده و برای مرتکب، مجازات پیش‌بینی گردیده است. در قوانین برخی دیگر از کشورهای اسلامی، ازدواج با بیشتر از یک زن جایز نیست، مگر با اجازه دادگاه. در قوانین بعضی دیگر از کشورهای اسلامی، ازدواج مجدد با شرایطی مجاز است؛ چنان‌که در غالب کشورهای اسلامی تعدد زوجات به دلایل اجتهادی و سیره قطعی مسلمانان پذیرفته شده است. این پژوهش در سایه توصیف و تحلیل گزاره‌های فقهی و حقوقی پس از بیان هر یک از مواضع مذکور و بررسی استدلال‌های موجود، آن‌ها را نقد کرده و در نهایت از اندیشه مشروعیت و جواز تعدد زوجات و تأثیر مثبت آن بر ثبات خانواده، دفاع کرده و آن را موافق با منطوق نصوص می‌داند.

کلیدواژه‌ها: تعدد زوجات، ثبات خانواده، احوال شخصیه، عدالت بین همسران، قوانین اسلامی، روابط خانوادگی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۴/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۹؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۶/۲۴.
استناد: غیاث الدین (سیامک)، قیاسی سررکی (۱۴۰۴). تعدد زوجات و تأثیر آن بر ثبات خانواده در احوال شخصیه کشورهای اسلامی، آموزه‌های حقوق خصوصی کشورهای اسلامی، ۲ (۲)، ۱۹-۴۰. <http://www.diplic.qom.ac.ir>
doi.org/10.22091/dplic.2025.12767.1054



مقدمه

مسئله چند همسری از احکام امضائی اسلام است که در دوران جاهلیت نیز در میان اعراب رواج داشته، چنان که در میان ایرانیان و رومیان به اشکال گوناگون وجود داشته است. همچنین این پدیده در ادیان ابراهیمی مانند یهودیت و نیز مکاتب غیرتوحیدی همچون آیین های هندو و بودایی و کنفوسیوسی مرسوم بوده است. اسلام آن را با وضع ضوابط و شروطی که سوءاستفاده از آن را منع می کند، تعدیل و تثبیت نموده است (عبدالحمید محمد، ۱۹۹۰: ۱۴۷-۱۴۹). تعدد زوجات در شریعت اسلامی، حقی مباح برای مردان محسوب می شود، موضوعی که مشروعیت آن نزد اکثر مسلمانان نیز امری غیرقابل انکار است. حق تزویج چند همسر دائم در میان تمام مذاهب اسلامی پذیرفته شده است. این امر ریشه در نص صریح قرآن کریم دارد که هرگونه تحریم مطلق این حکم را نفی کرده، هرچند آن را به رعایت شرایطی مقید ساخته است (سوره نساء: آیه ۳). در این زمینه، روایات متواتر از منابع فریقین وجود دارد که با صراحت، جواز تعدد زوجات را تأیید می کند و هرگونه تردید در این مسئله را مردود می شمارد. افزون بر این، سیره عملی معصومان (علیهم السلام) و رفتار مسلمانان در طول تاریخ اسلام، گواهی روشن بر مشروعیت و مقبولیت این حکم در چارچوب شرعی آن است (حرّ عاملی، ۱۴۱۰: ۵۱۷-۲۰-۵۲۴).

این پدیده اجتماعی در جوامع مختلف، با توجه به تفاوت های نگرشی و فکری و ارزش های فرهنگی، ارزیابی های متفاوتی را به خود دیده است. این سنت دیرینه اجتماعی از منظر جامعه شناسختی، مستلزم مطالعات عمیق و پژوهش های مستقل علمی است و ممکن است در برخی جوامع به عنوان یک ضرورت اجتماعی یا حتی یک امر اجتناب ناپذیر تلقی گردد. در این نوشتار، فارغ از هرگونه پیش داوری و قضاوت ارزشی، به واکاوی ابعاد حقوقی این مسئله در چارچوب احوال شخصیه کشورهای اسلامی پرداخته ایم. موضوع تعدد زوجات در منابع فقهی به صورت پراکنده و عمدتاً در مباحث موانع نکاح (مانند حرمت جمع بین محارم) استکمال و استیفای عدد (از جمله شرایط تعدد زوجات) و حقوق زوجات مطرح شده است. همچنین در این زمینه تاکنون کتاب ها، مقالات و پایان نامه های متعددی به رشته تحریر در آمده است؛ از جمله کتاب «تعدد زوجات و مقام زن در اسلام» اثر علامه سید محمدحسین طباطبایی، «حقوق خانواده (نکاح و انحلال آن)» تألیف دکتر حسین صفائی، پایان نامه «بررسی فقهی و حقوقی تعدد زوجات» نوشته زهرا سلطانی (۱۳۹۱)، دانشکده الهیات دانشگاه الزهراء، مقاله «ازدواج مجدد در کشورهای اسلامی» از فاطمه بداغی (فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ۱۳۹۱: ش ۲۳) مقاله «تعدد زوجات» اثر ابراهیم عبدی پورفرد (حقوق اسلامی، ۱۳۸۸: ش ۲۰).

در این پژوهش ها، اصول مشروعیت و مبانی فقهی جواز چند همسری، همچنین حدود و ثغور و شرایط اجرا و ضمانت های حقوقی آن به تفصیل مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. با این حال، مسئله تأثیر چند همسری بر پایداری نهاد خانواده در نظام های حقوقی احوال شخصیه کشورهای اسلامی، به صورت جامع و نظام مند

مورد توجه واقع نشده و صرفاً به اشاراتی گذرا و سطحی اکتفا شده است.

پژوهش حاضر درصدد است به‌طور جامع با روش توصیفی تحلیلی، به این مهم پردازد و از این منظر، کاری نو و بدیع ارائه دهد. بر این اساس فراتر از وجوه علمی و تحلیل‌های حقوقی این مسئله، طرح موضوع تعدد زوجات در چارچوب قوانین احوال شخصیه کشورهای اسلامی، لزوم واکاوی عمیق‌تر ابعاد حقوقی آن را ایجاب می‌نماید.

۱. مفهوم‌شناسی و بایسته‌های موضوع

دستیابی به نتایج مطلوب در هر پژوهش، منوط به تعریف دقیق و تبیین درست مفاهیم محوری آن است. به خصوص در نظام‌های حقوق نوشته که درک مفاهیم فقهی و حقوقی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا بسیاری از این مفاهیم مبنای صدور احکام و قواعد حقوقی قرار می‌گیرند. در پژوهش حاضر به تبیین مفهوم ازدواج و مفاهیم مرتبط با آن می‌پردازیم.

۱-۱. مفهوم‌شناسی

حقوق خانواده بر نهاد ازدواج متکی است. اصطلاحی که در ادبیات حقوق اسلامی برای ازدواج استعمال می‌شود «نکاح» است. دانشمندان فقه و حقوق در تعریف نکاح از لحاظ مفهومی با هم اختلاف دارند، ولی همگان بر این نکته اتفاق دارند که نکاح از موضوعات احوال شخصیه محسوب می‌شود. از نظر لغوی، واژه نکاح در معانی متعددی به کار رفته است، از جمله تقابل چنان‌که در زبان عرب، هنگامی که دو کوه در مقابل یکدیگر قرار گیرند، گفته می‌شود، «تَنَكَحَ الْجَبَلَانِ» (فیومی مقری، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ۶۲۴). سلطه و غلبه (طریحی، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ۴۲۱)، وصول و اختلاط (مروج، ۱۳۷۹ش: ۵۴۴) انضمام، وطی (جوهری، ۱۹۹۰م: ج ۱، ۴۱۳) و عقد (فیومی مقری، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ۶۲۴).

در تعریف اصطلاحی، نکاح رابطه‌ای است که از طریق عقد بین زن و مرد برقرار می‌شود و به آن‌ها این حق را می‌دهد که زندگی مشترک را آغاز کنند و تحت شرایط مشخصی، پیوند زناشویی برقرار سازند. فقه‌های مذاهب اهل سنت نیز نکاح را به همین مفهوم تعریف کرده‌اند. برای نمونه در تعریفی از نکاح آمده است: «نکاح عقدی است که موجب تمکین متعهد می‌شود؛ یعنی به زن و شوهر امکان می‌دهد تا از یکدیگر بهره‌مند گردند.» (ابن نجیم، ۲۰۰۲م: ج ۳، ۸۲؛ ابن عابدین، بی‌تا: ۳۵۵).

در قوانین احوال شخصیه کشورهای اسلامی، تعریف واحدی از نکاح ارائه نشده است. برای مثال قوانین سوریه (۱۹۵۳م)، عراق (۱۹۵۹م) و اردن (۱۹۷۶م) تصریح می‌کنند: «ازدواج، عقدی بین زن و مرد است که به موجب شرع، زن را برای مرد حلال می‌کند و هدف آن تشکیل زندگی مشترک و تولید نسل است.» (قانون احوال شخصیه اردن، ماده ۲، مصوب ۱۹۷۶م). درحالی‌که قانون احوال شخصیه مراکش، ازدواج را به‌عنوان «پیمانی شرعی بین زوجین» تعریف کرده و در فصل اول مقرر می‌دارد: «ازدواج، میثاقی شرعی است که با

هدف حفظ عفت، پای بندی به زندگی مشترک، تولید مثل و استواری کانون خانواده تحت سرپرستی مرد تحقق می‌یابد تا زوجین در فضایی آکنده از امنیت، مودت، آرامش و احترام متقابل، به ایفای وظایف خویش بپردازند.» (مدونه الاحوال الشخصیه المغربیه، ۱۹۵۷م)، به هر روی در تعریف عقد نکاح باید گفت که آن عبارت از رابطه‌ای حقوقی عاطفی است که بر اثر عقد میان زن مرد پدید می‌آید و برای آن‌ها حقوقی مانند تمتع جنسی و غیره را به دنبال دارد.

۱-۲. ادله و مستندات فقهی تعدد زوجات

در دین اسلام، مسئله تعدد زوجات به استناد ادله اجتهادی متقن از کتاب، سنت نبوی، اجماع علمای مذاهب اسلامی و سیره قطعی مسلمین، به عنوان حکمی مقبول و از ضروریات شریعت محسوب گردیده است (نجفی، ۱۴۰۱ق: ۲، ۳۰؛ کرکی، ج ۱۴-۱۲: ۳۷۳؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ج ۷، ۵۷۵). این حکم الهی در آیات متعددی از قرآن کریم نیز مورد تأکید قرار گرفته است (سوره تحریم؛ آیه ۱؛ سوره احزاب، آیات ۳۲-۵۰ - ۲۸۶). برجسته‌ترین مورد در این میان، آیه سوم از سوره مبارکه نساء است؛ «وَأَنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا؛ و اگر بترسید که مبدا درباره یتیمان مراعات عدل نکنید، پس آن کس از زنان را به نکاح خود در آورید که شما را نیکو است: دویا سه یا چهار و اگر بترسید که راه عدالت نیموده و به آن‌ها ستم می‌کنید، پس تنها یک زن اختیار کنید و یا چنانچه کنیزی دارید به آن اکتفا کنید که این نزدیک‌تر به عدالت و ترک ستمکاری است.» بر اساس دیدگاه اکثر فقها و مفسران، در این آیه شریفه به صراحت مقرر گردیده که برای هر مرد جایز است با رعایت شروط و ضوابط مقرر تا چهار زن را به عقد نکاح خود در آورد (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۶، ۱۴؛ مغنیه، ۱۴۲۱: ج ۲، ۳۱۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۴، ۱۶۶-۱۶۷). در آیه ۱۲۹ از همین سوره، با استناد به عبارت «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ»، مشروعیت تعدد زوجات به عنوان یک اصل مسلم فرض گردیده و بر ضرورت رعایت عدالت میان همسران تأکید شده است.

همچنین احادیث و روایات معتبر از مذاهب شیعه و اهل سنت، در خصوص جواز تعدد زوجات، به حدی متواتر و صریح است که هرگونه شک و تردید را مرتفع می‌سازد. از جمله، در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «لَا يَحِلُّ لِمَاءِ الرَّجُلِ أَنْ يَجْرِيَ فِي أَكْثَرِ مِنْ أَرْبَعَةِ أَزْوَاجٍ مِنَ الْحَرَائِرِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۰، ۵۱۹). این حدیث و نظایر آن به صراحت دلالت دارد بر اینکه هر مردی می‌تواند تا چهار همسر اختیار نماید، لکن تجاوز از این عدد ممنوع است. به عبارت دیگر، درحالی‌که اختیار بیش از چهار زن آزاد تحریم شده، جواز ازدواج با چهار زن به عنوان حکمی مقرر و مورد پذیرش تلقی گردیده است (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۴، ۲۹۳؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ج ۲۳، ۶۱۷؛ حلی، ۱۴۲۵: ج ۲، ۱۴۱).

فقهای امامیه با تمسک به منطوق صریح آیه شریفه و نیز روایات معتبری که نکاح بیش از چهار زن را جایز

نمی‌دانند، حکم جواز تعدد زوجات را به صورت مستدل اثبات نموده‌اند (حلی، ۱۴۱۹: ج ۳، ۴۷۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۲: ج ۱۰، ۲۱۷). افزون بر این، ایشان این آیه را مهم‌ترین دلیل بر محدودیت تعداد زوجات به چهار زن دائم دانسته‌اند (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۴۶). در استنباط این حکم، فقها حرف «واو» در آیه را به معنای عطف جمعی نپذیرفته‌اند، بلکه آن را به معنای «او» تفسیر نموده‌اند تا دلالت بر جواز اختیار یکی از سه حالت داشته باشد؛ زیرا اگر «واو» به معنای عطف جمعی باشد، ممکن است نکاح دائم با تعداد بیشتری نیز مجاز تلقی گردد. برخی از فقها نیز معتقدند که ذکر اعداد خاص در آیه، دلالت بر تحریم تعداد بیشتر دارد؛ چراکه اگر تعداد نامحدود مباح بود، جواز شارع به این اعداد مختص نمی‌گردید (نجفی، ۱۳۶۷: ج ۱۳، ۳۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰: ج ۷، ۳۴۷).

برخی از فقها با استناد به آیه شریفه، اثبات محدودیت جواز تعدد زوجات به چهار همسر استناد کرده و تصریح کرده‌اند که مقصود جواز اختیار هر یک از این تعداد به صورت جداگانه است؛ زیرا جواز این اعداد، ناظر به جمع میان آنان نیست، بلکه مراد از جواز سه زن، این نیست که آنان افرادی غیر از دو زن قبلی باشند و مقصود از اباحه چهار زن نیز این نیست که آنان اشخاصی غیر از سه زن سابق الذکرند، بلکه مقتضای عطف با «واو» آن است که موارد مذکور در حکم جواز مشترک‌اند، نه آنکه جمع میان همه آن‌ها مجاز باشد (طبرسی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۱۰۳؛ نجفی، ۱۳۶۷: ج ۳۰، ۴۳). سیره عملی پیامبر ﷺ و نیز رویه مسلمانان در طول تاریخ، مؤید صحت و مشروعیت تعدد زوجات است (شیری زنجانی، ۱۴۱۹: ج ۱، ۲۰). همچنین در مسئله جواز و مشروعیت تعدد زوجات، اجماع امت اسلامی محقق شده است. از این رو، شیخ طوسی این حکم را مورد اتفاق دانسته است (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۴، ۲۹۳).

۳-۱. شرایط تعدد زوجات در شریعت اسلامی

تمامی شرایع آسمانی که جواز تعدد زوجات را مورد پذیرش قرار داده‌اند، این حکم را مشروط به رعایت ضوابط و شرایطی خاص مقرر داشته‌اند. فقهای مذاهب اسلامی نیز با استمداد از نصوص قرآنی و سنت نبوی، در آثار فقهی خویش حدود و ثغور این مسئله را به تفصیل مورد بررسی قرار داده‌اند که می‌توان آن‌ها را به شرح ذیل برشمرد:

شرط اول: عدالت

فقیهان و عالمان اسلامی در تمامی اعصار و مذاهب، رعایت عدالت را به عنوان تنها شرط اساسی در مسئله تعدد زوجات مورد تأکید قرار داده‌اند و در این باره اتفاق نظر دارند (نجفی، ۱۳۶۷: ج ۲۹، ۳۶۵؛ خویی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۱۳؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ج ۹، ۶۷۰) این شرط با استناد به آیه سوم سوره نساء در مباحث فقهی مربوط به کتاب نکاح مورد بررسی قرار گرفته است. مفسران و فقها عبارت «ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» را بیانگر حکمت تشريع این حکم دانسته‌اند و بر این باورند که اساس قانون‌گذاری در احکام ازدواج، بر پایه عدالت و پرهیز از تعدی به

حقوق دیگران استوار است (طباطبایی، ۱۳۹۳: ج ۱۱، ۸۲۵؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ج ۹، ۹۹). در این آیه شریفه، حکم جواز ازدواج با چهار همسر از دو منظر جواز و ممنوعیت، به رعایت عدالت و پرهیز از ظلم مشروط شده است. در ابتدای آیه، جواز تعدد زوجات به شرط عدم تعدی به حقوق یتیمان مقید گردیده و در ادامه، از ازدواج با زنان متعدد در صورت ترس از عدم رعایت عدالت میان ایشان نهی شده است. از این رهیافت به وضوح برمی آید که بنیان زندگی زناشویی و نهاد خانواده در منظومه قرآنی بر پایه عدالت و حفظ حقوق طرفین استوار است. در فراز پایانی آیه، معیار این احکام با عبارت «ذلک أدنی ألا تعولوا» تبیین شده است. بر اساس دیدگاه مشهور مفسران، مفهوم «تعولوا» در آیه شریفه بدین معناست که تزویج با یک همسر، راهی نزدیک تر به پرهیز از ستمکاری است در مقایسه با تعدد زوجات (طوسی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۱۱۰۸؛ مکارم، ۱۳۷۲: ج ۳، ۲۵۴). برخی از اهل تفسیر این عبارت را ناظر به جواز تزویج تا چهار زن می دانند. در این صورت، مراد آیه آن خواهد بود که نکاح تا چهار زن، راهی نزدیک تر به عدالت و دوری از ظلم است نسبت به همسرگزینی با یتیمان (ابن عربی، بی تا: ج ۱، ۳۱۲). بر این اساس، عبارت «ذلک أدنی ألا تعولوا» نیز مؤید آن است که احکام نکاح بر پایه اصول عدالت و پرهیز از ستم استوار گردیده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۴، ۱۶۹). گفتنی است که دوست داشتن و میل قلبی که غیرارادی و فراتر از کنترل انسان است، موضوع تکلیف شرعی نبوده و برابری در آن‌ها الزامی ندارد. از این رو، وجه جمع میان عدالت در این آیه و عدالت در آیه شریفه ۱۲۹ سوره نساء همسان نیست. مقصود از عدالتی که شخص قادر به تأمین آن نیست، عدالت در عرصه هیجانات و عواطف است و مراد از رعایت عدالت در این آیه عدالت در تعاملات خارجی است (ایروانی، ۱۴۲۸: ج ۱، ۳۲۷).

باید گفت درباره کارکرد اصل عدالت برای توجیه چندهمسری، میان اندیشه‌وران فقه اسلامی دیدگاه یگانه وجود ندارد؛ از این رو برخی آن را شرط چند همسری انگاشته، باور دارند، در صورتی که اصل عدالت رعایت گردد، چندهمسری مجاز و اگر چنین نباشد، مشروعیت آن با چالش مواجه خواهد بود (شیرازی، ۱۴۲۸: ۲۹۰). برخی دیگر چنین باور ندارند (یزدی: ۱۴۱۵: ج ۳، ۱۷). البته باید توجه داشت که نسبت عدالت با جواز تعدد زوجات، ماهیت تعلیقی ندارد که در صورت نبود عدالت، این گونه ازدواج‌ها ناروا باشد؛ بلکه به باور فقهای امامیه در صورت که عدالت هم نباشد، چنین ازدواجی مجاز است. این بدان دلیل است که با توجه به افزوده بودن تعداد زن نسبت به مرد، تعدد ازدواج همساز با مصلحت فردی و اجتماعی است؛ زیرا اگر چنین نباشد، طیفی عظیم از جامعه نمی‌توانند زندگی مشترک تشکیل بدهند. آنگاه که چنین شد، پیامدهای زندگی انفرادی دامن‌گیر آن‌ها شده، از سودمندی‌های زندگی مشترک محروم می‌شوند. به هر روی باید گفت به باور برخی گرچه عدالت ظاهری به عنوان شرط به شمار رفته است؛ ولی این مسئله دارای ماهیت تعلیقی نیست که در صورت نبود آن، جواز تعدد زوجات با چالش مواجه گردد. به نظر می‌رسد این انگاره پذیرفتنی نیست؛ زیرا در آیه تصریح شده است که در صورت عدم رعایت عدالت از این گونه ازدواج‌ها پرهیز شود. برخی از با تمسک به آیه چهارم سوره نساء که در آن بر عدم امکان رعایت عدالت تأکید شده است، رویکرد مطلق‌گرایی اتخاذ

نموده، سخن از عدم جواز این گونه ازدواج‌ها به میان آورده‌اند؛ زیرا آنگاه که رعایت عدالت امکان نداشته باشد و از سوی دیگر، این اصل شرط تعدد زوجات باشد، می‌توان گفت که این چنین ازواجی مجاز نیست؛ ولی در مقام ارزیابی و نقد این انگاره باید گفت که مراد از عدالت در آیه نخست رفتار عادلانه در امور اختیاری است، مانند اینکه زوج در امور مالی و رفتارهای ظاهری این اصل را مد نظر قرار دهد و منظور از آیه دوم عدالت در همه امور مانند محبت قلبی و... است. از آنجایی که نوع دوم، ناظر به امور غیر اختیاری است، نمی‌تواند متعلق تکلیف قرار گیرد؛ زیرا در این صورت، تکلیف به ملاطفت می‌گردد (حسنی: ۱۴۱۱: ۷۹). بنابراین در مقام نتیجه‌گیری باید گفت که اصل عدالت در کاربست ظاهری آن به‌عنوان یکی از شرایط تعدد زوجات است (حائری: ۱۴۱۸: ج ۱۲، ۹۰) و این نوع ازدواج‌ها در صورتی که همراه با رعایت آن باشد، مشروعیت خواهد داشت. البته این بدان معنا نیست که در این مسیر افراط‌گرایانه رفتار گردد؛ زیرا گاهی ممکن است به رغم عدم رعایت عدالت، مصلحت مقتضی تعدد زوجات باشد که در این صورت، می‌توان این نوع ازدواج‌ها را تجویز نمود. این بدان دلیل است که بر اساس مبانی اسلامی، مصلحت و پاسداری از نظام اجتماعی پراهمیت است. شرط دوم: توانایی مالی برای پرداخت نفقه

شرط دیگر، تأمین مالی برای پرداخت نفقه است. این شرط بدان معنا است که در صورتی که زوج توانایی مالی برای پرداخت نفقه نداشته باشد، جواز و صحت تعدد زوجات با چالش مواجه خواهد شد. این مسئله در بسیاری از منافع فقهی بیان نشده است و تنها به ضرورت و شرایط پرداخت نفقه پرداخته شده است. در این مجال ضمن بررسی مفهوم نفقه، این شرط سنجش خواهد شد. نفقه یعنی آنچه فرد از اموال خود به دیگری می‌بخشد، اطلاق می‌شود (مشکینی، بی‌تا: ۵۴۴). در مورد میزان نفقه دو دیدگاه وجود دارد: مشهور فقها، از جمله شهید ثانی معیار نفقه را نیازهای متعارف زن، از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن و... می‌دانند (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۸، ۴۵۵؛ حلی، ۱۴۰۸: ج ۲، ۲۹۳). صاحب‌جواهر نیز با استناد به عموم نصوص شرعی، نیازهای عرفی زن را ملاک قرار می‌دهد (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۳۱، ۳۳۰). شیخ طوسی در برخی آثار خود، نفقه زوجه را صرفاً معادل یک مُد طعام تعیین کرده است (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۵، ۱۱۲). قوانین بسیاری از کشورهای اسلامی از جمله مصر، به تبعیت از مذهب حنفی معیار تعیین نفقه را توان مالی زوج قرار داده است.

ماده ۱۶ قانون احوال شخصیه سال ۱۹۲۹ مصر مقرر می‌دارد: «نفقه حسب حال زوج تعیین می‌شود، از حیث توانایی و ناداری، صرف نظر از وضعیت زوجه». در ماده ۲۷ قانون احوال شخصیه سال ۱۹۵۹ عراق آمده است: «نفقه زوجه حسب شرایط زوجین از حیث توانایی و ناداری تعیین می‌شود». یا قانون‌گذار در ماده ۷۶ قانون مصوب سال ۱۹۸۴ کویت می‌گوید: «نفقه حسب حال زوج از حیث توانایی و ناداری تعیین می‌شود و شرایط زوجه هرچه باشد، بی‌اثر است، مشروط به آنکه کمتر از حداقل کفایت زوجه نباشد.» (فراج حسین، ۱۹۹۷: ۱۴۳). در فقه اسلامی به این شرط به صورت مستقل اشاره نشده است و تنها در صورتی که عدم تمکن مالی منجر به عسر و حرج گردد، برخی از حرمت و کراهت این گونه ازدواج‌ها حکم نموده‌اند (نجفی، ۱۳۶۷:

۲۹، ۳۶۳-۳۶۵؛ خویی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۱۲-۱۳). بر پایه فقه هل سنت، تمکن نسبت به پرداخت نفقه، یکی از شرایط ازدواج به شمار رفته است (الزَّحَلِی، بی تا: ج ۹، ۶۶۷۰).

در مقام ارزیابی این شرط باید گفت که عدم تمکن مالی نمی تواند به عنوان شرط صحت یا عدم صحت تعدد زوجات مطرح باشد؛ زیرا بر پایه منابع فقهی، نفقه آنگاه محقق می گردد که عقد و سایر شرایط مانند تمکین و... فراهم باشد (علامه حلی: ۱۴۲۰: ج ۲، ۴۵). به بیان دیگر، نفقه یکی از پیامدهای عقد ازدواج است و پیامد یک امر نمی تواند در پدیداری آن، نقش تعیین کننده ایفا نماید؛ برای نمونه نمی توان گفت که اگر قراردادی التزام را در پی نداشت، صحیح نخواهد بود؛ زیرا التزام از پیامدهای قراردادها است و تابع اراده شخصی نیست تا بتوان آن را به عنوان شرط تکوین عقد به شمار آورد. در مورد نفقه نیز چنین است؛ به این معنا که اصل پرداخت نفقه به عنوان پیامد عقد صحیح و فراهم بودن سایر شرایط است. تمکن و عدم تمکن نسبت به پرداخت نفقه که مربوط به پیامدهای با واسطه عقد است، نمی تواند در تکوین عقد تعدد زوجات تأثیرگذار باشد تا بتوان در پرتو آن از صحت و بطلان تعدد زوجات سخن گفت. ممکن است، برخی با این استدلال که وجوب نفقه وابسته به تمکن است، مدعی تأثیرگذاری آن در تجویز و عدم تجویز تعدد زوجات باشند؛ زیرا بر پایه دیدگاه مشهور فقها، پرداخت نفقه منوط به تمکن زوج است (علامه حلی، ۱۴۲۰: ج ۴، ۲۱). در پاسخ باید گفت که این استدلال ناصواب است؛ زیرا وجوب و عدم وجوب آن، ربطی در ازدواج ندارد تا بتوان از نقش آن به اصل تحقق این گونه ازدواج ها سخن گفت، بلکه از پیامدهای عقد ازدواج است. این ادعا را که عدم توانایی نفقه در صحت و بطلان عقد نقش ندارد، می توان با تمسک به منابع فقه امامیه استنباط نمود؛ زیرا بر اساس دیدگاه برخی از فقها، وجوب نفقه منوط به تمکین است نه مجرد عقد (علامه حلی، ۱۴۲۰: ج ۴، ۲۱).

شرط سوم: رضایت همسر

در مباحث فقهی، رضایت همسر اول به عنوان شرطی برای جواز تعدد زوجات مطرح نشده است و فقها بر اساس اطلاق ادله جواز چندزنی چنین شرطی را الزامی ندانسته اند، مگر در موارد خاص، مانند ازدواج با برادرزاده یا خواهرزاده همسر که به استناد روایات، اذن همسر شرط صحت این ازدواج محسوب شده است (طوسی، ۱۳۶۵: ج ۳، ۳۳۲۷؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰: ج ۷، ۲۸۹؛ نجفی، ۱۳۹۷: ج ۲۹، ۳۵۷). با این حال، چنانچه زوجه در ضمن عقد، وکالت در طلاق را اخذ کرده باشد، در صورت ازدواج مجدد زوج می تواند از این حق استفاده کند (موسوی خمینی، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۰۳). همچنین، اگر تعدد زوجات موجب عسر و حرج شدید روحی یا مالی برای زوجه اول گردد، وی می تواند با مراجعه به حاکم شرع درخواست طلاق نماید (ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی ایران). حال اگر چنین ننماید و به این وضعیت رضایت دهد، می توان صحت این گونه ازدواج ها سخن گفت.

۲. مزایا و معایب تعدد زوجات

اگرچه تعدد زوجات در شرایط ویژه‌ای می‌تواند به عنوان مکانیسمی حمایتی برای زنان و نهاد خانواده عمل نماید، لیکن مواردی همچون تبعیض در رفتار با همسران یا سوءاستفاده از این حق شرعی، می‌تواند پیامدهای نامطلوبی بر پیکره خانواده و ساختار اجتماعی تحمیل نماید. بر این مبنا، در ادامه به تحلیل جامع محاسن و معایب این نهاد حقوقی در چارچوب موازین فقهی و نظام‌های حقوقی کشورهای اسلامی خواهیم پرداخت.

۲-۱. تعدد زوجات و انتقادات مرتبط با آن

هرچند چندهمسری به عنوان نظامی الهی با دقت و نظمی والا تشریع شده است، لیکن نواقص و معضلات ناشی از اجرای آن، برخاسته از کاستی‌های بشری در تطبیق صحیح این شریعت و سوءرفتارهای فردی است. ازجمله مهم‌ترین آفات اجرای نادرست این نظام می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

الف. عدم رعایت عدالت

ازجمله اصلاحات بنیادینی که اسلام در نظام خانواده پدید آورد، شرط نمودن عدالت در روابط زناشویی و منع هرگونه تبعیض میان زنان و فرزندان آنان بود. قرآن کریم با صراحت تمام می‌فرماید: «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً؛ یعنی اگر بیم دارید (نه حتی یقین) که نتوانید به عدالت رفتار کنید، به یک همسر بسنده نمایید.» (سوره نساء: آیه ۳). در دوران پیش از اسلام، اصل عدالت نه در میان همسران و نه در میان فرزندان رعایت نمی‌شد. اسلام این سنت‌های ناعادلانه را ملغی ساخت و برابری حقوقی را برای تمامی زنان و فرزندان نشان به رسمیت شناخت. نکته مهم‌تر آنکه قرآن کریم در آیه ۱۲۹ سوره نساء تصریح می‌کند: «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ؛ یعنی هرچند کوشش کنید، هرگز نمی‌توانید میان زنان به عدالت رفتار نمایید.» ازاین رو، توصیه می‌شود که تمامی تمایلات خود را به یک سو معطوف نسازید تا دیگری را در وضعیتی نامطلوب و بلا تکلیف رها کنید. به این ترتیب، اسلام با تشریع چندهمسری، آن را به رعایت عدالت مشروط کرد و درعین حال، تحقق کامل این عدالت را دشوار شمرد تا زمینه سوءاستفاده از این حکم به حداقل برسد (عبدالغنی محمد، ۱۹۹۸، ج ۳، ۱۲۳). البته باید توجه داشت که منظور از عدالت در این گونه موارد، همه ابعاد مانند عدالت در محبت قلبی و... نیست؛ بلکه منظور آن است که عدالت ظاهری رعایت گردد، مانند اینکه شخص در رفتار و ابزار محبت، تبعیض‌آمیز رفتار ننماید و هرکدام به مقدار حقش مورد محبت و... قرار دهد. از سوی دیگر باید توجه داشت که عدالت‌ورزی به معنای تساوی میان همسران نیست؛ بلکه بدان معنا است که حقوق آن‌ها رعایت گردد. به بیان دیگر، تساوی و برابری برخاسته از مفهوم عادل به معنای مطلق نیست؛ به این معنا که تساوی در همه جا و نسبت به همه افراد و اشیاء باشد، بلکه متناسب با وضعیت‌های ویژه است. بر این اساس آنگاه سخن از عدالت در گستره حقوق، تکالیف، مجازات‌ها، قوانین و رفتار می‌شود به معنای تساوی آن‌ها نیست، بلکه مفهوم آن تناسب میان تکالیف، حقوق، مجازات و قانون با استعدادها و توانایی افراد است. بر همین اساس است

که امام علی (علیه السلام) آن را به معنای دادن حق به صاحب حق می‌داند که معنای آن، همان داشتن تناسب میان حق و تکلیف و... است نه تساوی؛ از این رو امام علی (علیه السلام) عدالت را به معنای قرار دادن هر چیزی در جایگاهش می‌انگارد (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۷۳، ۳۵۷) که بیانگر تناسب است. به هر روی عدالت‌ورزی در گستره زیست خانوادگی نیز به معنای رفتار متناسب و همساز با حقوق زوجات است.

ب. تهدید کیان خانواده

اگرچه چندهمسری در برخی موارد ضروری می‌تواند به تداوم زندگی خانوادگی کمک کند، اما در شرایط دیگر، خود به عاملی برای تهدید کیان خانواده و پراکندگی اعضای آن تبدیل می‌شود. شریعت اسلامی تعدد زوجات را با رعایت ضوابط و احکام شرعی جایز شمرده است. عدم پابندی به این شرایط، تعادل خانواده را برهم زده و پیوند زناشویی را متلاشی می‌سازد. در بسیاری از کشورهای اسلامی، قوانینی برای جلوگیری از سوءاستفاده مردان از حق تعدد زوجات وضع شده است. به طور مثال در مصر یا تونس، مردان برای ازدواج مجدد باید اجازه دادگاه یا رضایت همسر اول را اخذ کنند. این اقدام به منظور جلوگیری از مشکلات اجتماعی و خانوادگی ناشی از ازدواج‌های متعدد است (فراج حسین، ۱۹۹۷: ۱۴۹).

ج. گسترش شهوترانی و بی‌بندوباری

یکی از مهم‌ترین انتقادات وارد بر مسئله تعدد زوجات، آن است که تجویز این حکم ممکن است به گسترش شهوترانی و بی‌بندوباری بینجامد. ممکن است برخی به وجود حرم‌سراها در زندگی خلفا و سلاطین مسلمان استناد کرده، سخن از عدم جواز تعدد زوجات نمایند؛ اما از نگاه پژوهشگران منصف، محدودیت‌ها و ضوابطی که اسلام برای جواز تعدد زوجات مقرر نموده، آزادی مردان هوسباز را به شدت محدود می‌سازد. اساساً نظام تربیتی اسلام بر پایه حفظ عفت و حیا و مهار تمایلات حیوانی استوار گردیده است. دین اسلام به صورت جدی با پدیده حرم‌سرا مخالفت ورزیده و آن را امری ناپسند شمرده است. افزون بر این، رفتارهای نادرست برخی از مردان مسلمان را نمی‌توان به اسلام نسبت داد (طباطبایی، ۱۳۹۳: ج ۴، ۱۹۱). از سوی دیگر، گاه در بیان دامنه مفاسد ناشی از تعدد زوجات مبالغه می‌شود. اگر آمار چندهمسری در جوامع اسلامی را با نمودهای بی‌قیدی و فساد اخلاقی و فحشای رایج در کشورهای غربی مقایسه کنیم، به روشنی درمی‌یابیم که این پدیده در مقایسه با آن معضلات، بسیار ناچیز و محدود است.

د. چالش‌های مالی

چالش‌های اقتصادی در خانواده‌های چندهمسری نیز به دو شکل نمایان می‌شود: کفایت درآمد و توزیع عادلانه آن. هرچه سواد اقتصادی اعضای خانواده پایین‌تر باشد، شدت این مشکلات بیشتر می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهند خانواده‌های چندهمسری به دلیل محدودیت‌های مالی، از رفاه کمتری نسبت به خانواده‌های تک‌همسری برخوردارند؛ چراکه مرد به عنوان نان‌آور اصلی، مسئولیت سنگینی در تأمین هزینه‌های چندجانبه بر

عهده دارد. در شرایط اقتصادی کنونی و با افزایش نیازهای خانواده، تعدد زوجات تنها در صورتی قابل تحمل است که مرد توان مالی کافی داشته باشد. در غیر این صورت، عدم رعایت عدالت در هزینه‌ها به تنش‌های جدی بین همسران و فرزندان آنان دامن می‌زند (باجوری، ۱۹۸۶: ج ۱، ۱۴۴).

۵. پدیداری آسیب‌های روانی و جسمی

یکی از چالش‌های مطرح در زمینه تجویز تعدد زوجات، پیامدهای ناگوار آن نسبت زوجه و محیط تربیتی خانوادگی است؛ برای نمونه در این صورت از یک سو ممکن است، زن نخست دچار آسیب‌های روانی و ... گردد که امروزه این مسئله در برخی از کشورهای و سرزمین‌های که تعدد زوجات متعارف نیست، نمود خارجی می‌یابد و گاهی ممکن است منجر به از هم‌پاشیدگی نظام خانواده گردد. آنگاه که چنین شد، فلسفه ازدواج که فراهم‌سازی محیط امن است، دچار مشکل می‌گردد؛ زیرا بر پایه آیه قرآن (سوره روم: آیه ۲۱)، تزویج بدان دلیل تشریع شده است که منجر به سکون و آرامش گردد. این در حالی است که در برخی موارد، ازدواج متعدد باعث آسیب روانی و جسمی می‌گردد (محمدی و آسکانی: ۱۳۹۴: ۲۶۴). بنابراین تعدد زوجات از این جهت با هدف آن ناسازگار است. در پاسخ به این چالش و نقد باید گفت که اگر در نظام فقه اسلامی، این مسئله بدون ضابطه رها شده بود، چنین نقد موجه بود؛ ولی از آنجایی که در نظام اسلامی، اصول و ضوابطی برای سامان بخشیدن به روابط زوج با زوجات پیش‌بینی شده است، می‌توان گفت که چنین نقدی موجه نیست؛ زیرا عدم رعایت اشخاص نمی‌تواند باعث تغییر و تحول نظام تشریع گردد؛ به این معنا که اگر افراد در عمل به قانونی پایبند نباشند، دلیل عدم مشروعیت آن نیست؛ بلکه بیانگر عدم قانون‌گرایی اشخاص است. در گستره تعدد زوجات نیز می‌توان چنین گفت که اگر بر پایه اصول و ضوابط حاکم بر تعدد زوجات مشی شود، چنین آسیب‌های پدید نخواهند آمد. بنابراین باید گفت که این‌گونه انتقادات متوجه عملکرد و رفتار افراد است نه اصل نظام تعدد زوجات که تابع ضوابط و اصول است.

۵.۱. اخلال در فرایند تربیت فرزندان

گاهی ممکن است، تعدد زوجات باعث گردد که زن در ابتدا آن گونه که بایسته و شایسته است، اقدام به تربیت فرزندان ننماید؛ به این معنا که ازواج مجدد باعث شود که او روی حسادت یا احساسات به صورت مناسب در محیط خانه فعالیت ننماید و این منجر به اخلال در تربیت فرزندان گردد. از سوی دیگر، ازدواج مجدد باعث نزاع و تنش‌های درون خانوادگی می‌گردد و این جدال‌های میان والدین نسبت به روحیات و عواطف کودکان تأثیرگذار است و آنگاه که چنین شد، ممکن است تبعات روحی و روانی داشته باشد. بنابراین تعدد زوجات از این جهت باعث پدیداری مشکلات و آسیب‌های قابل توجهی نسبت به افراد و جامعه می‌گردد (کاظم خرم‌دل و دیگران: ۱۴۰۰: ۵۰). گاهی باعث بی‌خانمانی کودکان می‌گردد؛ ولی در پاسخ باید گفت که این انگاره کلیت ندارد و در صورت تحقق این وضعیت، نمی‌توان نظام تعدد زوجات را مقصر انگاشت، بلکه

این مسئله نیز به رفتار زوج و زوجه بازمی‌گردد و افزون بر آن باید گفت که تعدد زوجات تنها حدود سه در صدر در بی‌خانمانی کودکان نقش دارد (الزحیلی، پیشین، ج ۹، ۶۶۷۵).

۲-۲. تعدد زوجات و محاسن آن

در این مجال ضمن بررسی بر انتقادات به تعدد زوجات تلاش می‌گردد، محاسن آن نیز بیان گردد. پیوند زناشویی، هم جلب «مصلحت» است و هم «دفع مفسده و زیان». باین حال، جهان مادی و زیستن در قلمرو طبیعت، همواره با گونه‌ای تراحم منافع و تقابل قطب‌های مثبت و منفی همراه است. در این میان نظام تعدد همسر، اگر در چارچوب صحیح و شرایط متناسب خود اجرا گردد، واجد فواید قابل توجهی خواهد بود که فقدان آن، جز فروپاشی حریم عفت و بر هم خوردن تعادل در سامانه خانوادگی و اجتماعی پیامدی نخواهد داشت. ازاین‌رو، در واکاوی مسائل مرتبط، می‌بایست نگاهی کل‌نگر اتخاذ نمود و تمامی ابعاد را به دقت سنجید و تنها تکیه کردن بر خواسته‌های یک‌سویه مرد یا زن، گره‌گشای معضلات پیش‌رو نخواهد بود.

بر اساس حکمت الهی، تعدد زوجات راهکاری شرعی برای پاسخ به نیازهای طبیعی و اجتماعی است. ازجمله ضرورت‌های آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اولاً با توجه به افزایش تعداد زنان نسبت به مردان، این نظام پشتمانه‌ای برای حمایت از زنان بی‌سرپرست است؛ ثانیاً با دوری مردان از خانه به دلیل سفر یا کار، ازدواج مجدد مانع افتادن آنان در دام گناه می‌شود؛ ثالثاً در دوران قاعدگی یا بارداری همسر، این حکم به حفظ تعادل خانواده کمک می‌کند. اسلام با در نظرگیری غریزه مرد و ویژگی‌های جسمی‌اش، این حق را تحت ضوابط دقیق جایز شمرده تا از یک سو مصالح جامعه و خانواده حفظ شود و از سوی دیگر راه‌حلی مشروع در برابر ارضای غیرقانونی غرایز ارائه گردد. همچنین، تعدد زوجات در شرایطی به نفع زن اول نیز هست، چراکه از فشارهای غیر معمول بر او کاسته و امکان تداوم زندگی مشترک را فراهم می‌آورد (زلمی، ۱۳۹۰: ۱۳۲).

بر این اساس، شرع مقدس مسئله تعدد زوجات را با حکمتی ژرف و اهدافی متعالی تشریع نموده است؛ این حکم الهی درواقع پاسخی حکیمانه به نیازهای طبیعی جامعه انسانی است که از سویی به پالایش آلودگی‌های اخلاقی می‌انجامد و از سوی دیگر مانع گسترش رذایل اجتماعی می‌گردد. این تشریع الهی، ضمن پیشگیری از نابسامانی‌های روانی و ناامنی‌های اجتماعی، بشریت را از گزند آسیب‌های فردی و اجتماعی مصون می‌دارد. حقیقت آن است که افزایش پدیده تجرد، به‌عنوان عاملی مخرب، زمینه‌ساز شیوع فساد اخلاقی، انحرافات جنسی و گسترش بیماری‌های جسمی و روانی در جامعه می‌شود. در این میان، تشریع تعدد زوجات از سوی خداوند حکیم نه‌تنها مصلحت مردان، بلکه خیر و مصلحت زنان را نیز در نظر دارد؛ چراکه این حکم الهی، امکان ازدواج را برای زنان بیشتری فراهم می‌سازد و آنان را از موهبت تشکیل خانواده و بهره‌مندی از برکات آن محروم نمی‌نماید (کبیری، ۱۴۱۰: ۱۵۳). همچنین، این قانون الهی در راستای تأمین حقوق مردان و تحکیم بنیان‌های خانواده در جامعه اسلامی تشریع شده است تا با افزایش نسل صالح، جامعه اسلامی از استحکام و

پویایی بیشتری برخوردار گردد. این حکمت‌آمیزترین تشریع از سوی پروردگار علیم و حکیم است که تنها افراد متعصب و کج‌اندیش در آن تردید می‌کنند. بدون تردید، ازدواج آثار و برکات فراوانی برای افراد و جامعه به همراه دارد و اگر به دلیل منع نابجای تعدد زوجات، گروهی از زنان از نعمت تشکیل خانواده محروم شوند، بی‌شک از این مواهب الهی بی‌بهره خواهند ماند. این در حالی است که نظام حقوقی اسلام، با در نظر گرفتن شرایط و ضوابط دقیق، راه‌حلی متعادل و عادلانه برای نیازهای طبیعی بشر ارائه نموده است (بوطی، ۱۴۱۷: ۱۶۲).

۳. موضع قانون احوال شخصیه کشورهای اسلامی در مورد تعدد زوجات

ازجمله مسائلی که در قوانین احوال شخصیه کشورهای اسلامی دستخوش تحولات چشمگیری گردیده، مسئله تعدد زوجات است. در شریعت اسلام، این حکم با استناد به دلایل اجتهادی سیره قطعی مسلمانان قابل اصطیاد است (نجفی، ۱۳۶۷: ج ۲، ۳۰؛ کرکی، ۱۴۱۱: ج ۱۲، ۳۷۳؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ج ۷، ۷۵؛ ج ۳، ۳۵). هرچند برخی از کشورها، ازدواج مجدد را منوط به اخذ مجوز از دادگاه نموده‌اند (سباعی، ۱۴۱۷: ۱۶۵؛ شلبی، ۱۳۷۰: ۲۴۵). بر این اساس، کشورهای اسلامی با توجه به ویژگی‌های فرهنگی خاص خویش و نیز با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع اجتماعی، رویه‌ها و مقررات متفاوتی را در این زمینه وضع کرده‌اند که با دقتی علمی به بررسی این موضوع پرداخته خواهد شد.

۳-۱. کشورهای متمایل به منع یا محدودسازی تعدد زوجات

در قوانین برخی کشورهای اسلامی، تعدد زوجات به‌طورکلی ممنوع گردیده و از نظر حقوقی باطل فرض شده و برای مرتکب، مجازات پیش‌بینی گردیده است. تونس ازجمله کشورهای اسلامی است که بیش از سایرین، اصول سکولاریسم را در نظام چندهمسری خود به‌کار بسته است. این کشور نه‌تنها به این بسنده نکرده که تعدد زوجات یا ازدواج مجدد، تنها تحت نظارت و کنترل دادگاه و مطابق شرایط و تشریفات خاصی امکان‌پذیر باشد، بلکه فراتر از آن ازدواج با زن دیگر را به‌عنوان یک جرم کیفری قابل مجازات دانسته است؛ گویی آنچه را خداوند حلال شمرده، حرام گردانیده‌اند. ماده ۱۸ قانون احوال شخصیه تونس تصریح می‌کند: «تعدد زوجات ممنوع است و هرگونه ازدواج با بیش از یک زن، مستوجب مجازات یک سال حبس و جریمه نقدی معادل ۱۴۰ فرانک و پرداخت خسارت است.» (قانون الأحوال الشخصية التونسية، سال ۱۹۵۶م. فصل ۱۸) این قانون، چالشی آشکار و تخلفی فاحش در برابر فرمان‌های الهی است و هیچ‌گونه پابندی به تعالیم اسلام ندارد، بلکه قانونی برآمده از تفکرات سکولار غربی است که هدف آن نه محدودسازی تعدد زوجات یا وضع شرایط برای آن، بلکه تعطیل کردن نص صریح قرآن کریم در کشوری است که دین رسمی آن اسلام است. این رویکرد، عملاً به حرام کردن چیزی می‌انجامد که خداوند در کتاب خود آن را مباح شمرده است، حال آنکه تعدد زوجات، خود مانعی در برابر بسیاری از رذایل اخلاقی و مفاسد اجتماعی همچون فساد و بی‌بندوباری است. همچنین ترکیه کشوری با اکثریت مسلمان است، اما تعدد زوجات ممنوع شده و جرم کیفری محسوب

می‌شود (محمصانی، ۱۹۵۷: ۸۷). پس از تبدیل ترکیه به یک دولت دموکراتیک و سکولار در سال ۱۹۲۶، ازدواج به صورت مدنی انجام شد و قانون ترکیه هرگونه شکل دیگر از ازدواج را ممنوع اعلام کرد. بر اساس بند چهارم ماده ۲۳۷ قانون مجازات ترکیه، «مجازات حبس از دو تا شش ماه برای هر کسی که تنها در چارچوب مراسم دینی ازدواج کند و مجازات سه ماه حبس برای کارمند شهرداری که به صورت پنهانی یا علنی عقد نکاح یا ازدواج دینی را جاری کند، تعیین شده است». بر این اساس، ازدواج دینی و تعدد زوجات در قانون ترکیه مردود شناخته شده و قانوناً با حبس مجازات می‌شود. طبق ماده ۱۴۳ قانون مدنی ترکیه، ازدواج دینی چه قبل و چه بعد از ازدواج مدنی، به رسمیت شناخته نمی‌شود و نهادهایی مانند ولایت و مهریه و اعتنا به دین در ازدواج حذف شده‌اند. مطابق قوانین لبنان، هرگاه مردی با داشتن همسر به ازدواج دیگری اقدام کند، ازدواج دوم باطل است (الجمهورية اللبنانية، قانون سال ۱۹۴۸، ماده ۱۰).

۳-۲. کشورهای متمایل به امکان تعدد زوجات با اجازه دادگاه

در قوانین برخی دیگر از کشورهای اسلامی، ازدواج با بیشتر از یک زن جایز نیست، مگر با اجازه دادگاه. عراق، سوریه، پاکستان، مالزی، اندونزی و الجزایر از جمله کشورهایی هستند که مرد صرفاً با اجازه دادگاه می‌تواند ازدواج مجدد منعقد کند. در سوریه، تنها معیار مالی برای صدور اجازه ازدواج مجدد از سوی دادگاه پذیرفته شده است. چنان‌که در ماده هفتادویک قانون احوال شخصیه سوریه مصوب سال (۲۰۰۷م) مقرر شده: «هرگاه برای دادگاه ثابت شود که مرد قادر به مخارج دو همسر نیست، می‌تواند از صدور اجازه برای ازدواج مجدد، خودداری نماید.» (الجمهورية العربية السورية، قانون الأحوال الشخصية السورية، رقم ۲۴۳۷/ تاریخ ۲۰۰۷/۶/۷ المادة ۷۱). از طرف دیگر در عراق، علاوه بر معیار مالی به معیار خوف از رفتار نابرابری و رعایت عدالت تأکید شده است. در ماده سه قانون احوال شخصیه این کشور بند چهارم آمده: «ازدواج با بیشتر از یک زن جایز نیست، مگر به اجازه دادگاه و چنین اجازه‌ای نباید داده شود، مگر اینکه دو شرط زیر تحقق یابد: الف. اینکه شوهر صلاحیت مالی برای اداره بیش از یک زن را داشته باشد؛ ب. اینکه در ازدواج دوم مصلحت مشروعی وجود داشته باشد.»

در ماده سه بند پنجم آمده است: «اگر مرد از عدم عدالت بین زنان خوف داشت تعدد جایز نیست و تعیین این امر باید به قاضی سپرده شود» چنان‌که در بند ششم آمده است: «هر شخصی که عقد ازدواج با بیش از یک زوجه را برخلاف مقررات مذکور در بندهای چهارم و پنجم ماده ۳ منعقد نماید، به حبس تا یک سال یا جریمه نقدی تا ۱۰۰ دینار یا به هر دو مجازات محکوم می‌شود» (جمهوریه العراق، قانون الاحوال الشخصية، رقم ۱۸۸ لسنة ۱۹۵۹ المادة ۳).

مقتن در کشور اندونزی در ماده سه قانون ازدواج ۱۹۷۴ تصریح کرده که:

۱. اساساً در هر ازدواج یک مرد تنها می‌تواند صاحب یک زن باشد. یک زن فقط می‌تواند صاحب یک مرد

باشد؛

۲. دادگاه می‌تواند تنها در صورت درخواست اشخاص و یا طرف‌های ذی‌ربط اجازه برای ازدواج با بیش از زن به یک مرد بدهد. این قانون از اصل تک‌همسری پیروی می‌نماید. البته در قانون خانواده، اندونزی نیز تعدد زوجات را در حدود موازین اسلامی و به شرط وجود وجه شرعی و شرط اجرای عدالت مجاز و مشروط به مراجعه به دادگاه نموده است. چنان‌که در ماده ۴ مقرر می‌کند: در مورد شوهری که با بیش از یک زن ازدواج نماید، طبق بند ۲ ماده ۳ این قانون، موظف است درخواست رسمی به دادگاه منطقه محل سکونت خود ارائه دهد (جمهوری اندونزی، قانون شماره ۱ سال ۱۹۷۴ پیرامون ازدواج، ماده ۳ و ۴).

چنان‌که در الجزایر تعدد زوجات به اجازه دادگاه نیاز دارد و در عمل بسیار محدود شده است. قانون‌گذاری الجزایر، همچون دیگر قوانین کشورهای اسلامی، چندهمسری را مجاز می‌داند، اما تنها تحت شرایط و رویه‌های مشخص. قانون الجزایر تعدد زوجات را طبق ماده ۸ قانون خانواده تحت شروطی از قبیل قصد عدالت، وجود توجیه شرعی، اطلاع‌رسانی به همسران و کسب رضایت آنان و همچنین اخذ مجوز از دادگاه، مجاز شمرده است. در اینجا، قانون‌گذار الجزایر نه تنها با احکام شریعت اسلامی تعارضی نداشته، بلکه با وضع این محدودیت‌ها، چندهمسری را صرفاً در چارچوب مقررات شرعی و در صورت وجود توجیه مشروع و تضمین رعایت عدالت جایز شمرده است. بنابراین مردی که قصد تعدد زوجات دارد، موظف است همسر پیشین و همسر آینده خود را آگاه سازد و درخواست کتبی خود را به رئیس دادگاه ارائه دهد. رئیس دادگاه تنها در صورتی مجوز چندهمسری را صادر می‌کند که رضایت هر دو زن محرز شده باشد و مرد، علاوه بر اثبات توجیه شرعی، توانایی مالی و عملی خود را برای تأمین نیازهای زندگی زناشویی به اثبات برساند.

۳-۳. کشورهای متمایل به امکان تعدد زوجات با شرایط مقرر

در قوانین برخی دیگر از کشورهای اسلامی، ازدواج مجدد با شرایطی مجاز است. در غالب کشورهای اسلامی از جمله اردن، عمان، مصر و ایران ازدواج مجدد با شرایطی مجاز است. مطابق با قانون احوال شخصیه اردن تعدد زوجات با شرایطی اجازه داده شده است، از جمله تمکن و قدرت مالی زوج بر پرداخت مهر و نفقه و آگاه بودن زن دوم از وجود همسر اول و صدور حکم دادگاه به تجویز نکاح بعدی، چنان‌که در ماده ۶ مکرر قانون شماره ۸۲ سال (۲۰۰۱م) مقرر شده است: «بر دادگاه لازم است قبل از اجرای عقد ازدواج مجدد شروط ذیل را احراز کند؛ اول، تمکن و قدرت مالی زوج بر پرداخت مهر و نفقه؛ دوم، آگاه بودن زن دوم از وجود همسر اول و همچنین دادگاه به زوجه دوم اعلام کند که با غیر او هم ازدواج کرده است.» (المملكة الأردنية الهاشمية، قانون الأحوال الشخصية، رقم ۶۱ لسنة ۱۹۷۶ المعدل بموجب القانون المؤقت رقم ۸۲ لسنة ۲۰۰۱ المادة ۳۷)، همچنین در قوانین داخلی عمان ازدواج مجدد مشروط به شرایطی است. چنان‌که ماده ۳۷ قانون احوال شخصیه عمان نیز به شرط عدالت بین زوجین، در ضمن حقوق زن بر شوهر تصریح شده است. همچنین در ماده ۵۹

مقرر داشته است: «مرد نمی‌تواند زنش را وادار کند که با همسر دومش در یک مسکن بماند، مگر زن رضایت داده باشد و اگر زن رضایت داد و پس از آن برایش موجب ضرر شد می‌تواند از رضایت خود عدول کند» (قانون الأحوال الشخصية العماني بمرسوم سلطاني رقم ۹۷/۳۲). در لیبی نیز ماده سیزدهم قانون جدید این کشور مقرر می‌دارد که «برای مرد جایز است با یک زن دیگر ازدواج کند، اگر دلایل محکمی داشته باشد و با وجود یکی از دو شرط ذیل: اعلام رضایت زوجه در نزد محکمه بخش ویژه آن، صدور حکم دادگاه به تجویز نکاح بعدی در نزد دادگاه بخش ویژه در دعوایی که به طرفیت زوجه اقامه می‌شود» (دوله لیبیا، قانون رقم ۱۰، لسنة ۱۹۸۴م).

همچنین قانون احوال شخصیه مصر (شماره ۱۰۰ سال ۱۹۸۵) ضوابطی وضع کرده که از نظر عملی، چندهمسری را محدود می‌کند تا از ازدواج با بیش از چهار زن جلوگیری شود. در ماده ۵ آمده است: «مردی که طلاق می‌دهد، باید ظرف ۳۰ روز از تاریخ طلاق، آن را نزد سردفتر رسمی ثبت کند.» اگر زوجه هنگام ثبت طلاق حضور داشته باشد، آگاه محسوب می‌شود. در غیر این صورت، سردفتر موظف است از طریق ابلاغ رسمی وی را از طلاق مطلع کند. آثار طلاق از تاریخ وقوع آن محسوب می‌شود، مگر اینکه شوهر طلاق را پنهان کند که در این صورت، آثار مالی و ارث از تاریخ آگاهی زن محاسبه می‌شود. ماده ۱۱ نیز مقرر می‌دارد: «مرد هنگام ازدواج مجدد باید وضعیت تأهل خود را اعلام کند و اگر متأهل است، نام و نشانی همسر فعلی خود را ذکر نماید.» سردفتر موظف است همسر قبلی را از ازدواج جدید مطلع کند. زن اول می‌تواند در صورت تحمل ضرر مادی یا معنوی ناشی از ازدواج مجدد شوهر تقاضای طلاق کند، حتی اگر در عقد شرط نکرده باشد که شوهرش زن دیگری نگیرد. اگر دادگاه نتواند بین آن‌ها صلح برقرار کند، زن را به صورت طلاق بائن رها می‌کند. مقنن مصری نظام چندهمسری را ممنوع نکرده، اما قیودی برای آن وضع کرده تا بین التزام به شریعت اسلامی و عدالت بین همسران توازن برقرار شود (شلبی، ۱۳۷۰: ۲۴۴).

در نظام حقوقی ایران، قانون مدنی به صراحت به مسئله تعدد زوجات پرداخته است. مواد ۹۰۰، ۹۰۱ و ۹۴۲ قانون مدنی به مرد این اختیار را اعطا می‌کند که همسران متعدد اختیار نماید. افزون بر این، از مفاهیم ضمنی مواد ۱۰۴۸ و ۱۰۴۹ همین قانون نیز می‌توان جواز این عمل را استنباط نمود. اگرچه قانون‌گذار حدود مرز مشخصی برای این اختیار تعیین نکرده است، اما بر اساس عرف رایج و موازین فقه اسلامی (مبنای قانون‌گذاری در ایران) ازدواج دائم با بیش از چهار زن مجاز شمرده نمی‌شود. این محدودیت که مستند به آیات قرآن کریم است، از جمله ضروریات دین اسلام محسوب می‌شود و میان مسلمانان اجماعی است. در چارچوب حقوق موضوعه ایران که مبتنی بر فقه امامیه است، تعدد زوجات به رسمیت شناخته شده است. با این حال، قانون‌گذار شرایطی را برای این امر مقرر داشته است. از جمله اینکه ازدواج دائم بدون ثبت در دفاتر رسمی ازدواج، فاقد اعتبار قانونی تلقی می‌شود. در عمل، ثبت ازدواج دائم بعدی منوط به اخذ مجوز از مراجع قضایی است که باید ازدواج غیررسمی قبلی را تنفیذ نمایند. لزوم ثبت ازدواج در قوانین ایران به وضوح مورد تأکید قرار گرفته است.

ماده ۱ قانون ازدواج مصوب سال ۱۳۱۰ و ماده ۳۱ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ تصریح دارند که کلیه ازدواج‌ها باید به صورت رسمی به ثبت برسند. این مقررات نشان دهنده اهتمام قانون‌گذار به ایجاد نظم و ثبت دقیق وقایع حیاتی در نظام حقوقی کشور است (اسعدی، ۱۳۸۷: ۲۳۵).

۴. تحلیل و بررسی

تعدد زوجات در قوانین احوال شخصیه کشورهای اسلامی به‌عنوان یک موضوع فقهی و حقوقی پیچیده، مزایا و معایب خاص خود را دارد. اگرچه این موضوع می‌تواند در برخی شرایط اجتماعی و اقتصادی مفید باشد، اما به‌ویژه در اجرای عدالت و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی، چالش‌هایی را به همراه دارد. بنابراین، قوانین موجود در کشورهای اسلامی تلاش دارند تا از سوءاستفاده و مشکلات خانوادگی ناشی از تعدد زوجات جلوگیری کنند و نظارت‌های سخت‌گیرانه‌ای را اعمال نمایند. درعین حال در باب مسئله تعدد زوجات، اصل حکم به‌طورکلی مورد اجماع است و مستفاد از آیه سوم سوره نساء است. همچنین از منظر روایات و احادیث نیز این مسئله مسلم شمرده شده است و تنها محدودیت‌ها و شرایط آن محل بحث است. به باور برخی از صاحب‌نظران، اسلام بنیان زندگی اجتماعی را بر خردورزی استوار ساخته، نه بر هیجانات جمعی بی‌آنکه به‌هیچ‌وجه به معنای نادیده گرفتن عواطف انسانی باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۱۷). ازاین‌رو در مسئله ازدواج، عوامل دیگری غیر از عدم توازن جمعیتی میان مردان و زنان نیز باید مدنظر قرار گیرد. برای مثال، بلوغ زودرس زنان نسبت به مردان میانگین عمر طولانی‌تر زنان و دوره باروری گسترده‌تر مردان موجب می‌شود، همواره جمعیت مردان آماده ازدواج کمتر از زنان باشد.

علاوه بر این، برخی محققان خاطرنشان می‌کنند که زنان در دوره‌های سنی مختلف به صورت متناوب با موانع فیزیولوژیک مواجه‌اند که در این دوران نیازمند آرامش و دوری از مزاحمت‌های زناشویی هستند (بقره: آیه ۲۲۲). با توجه به اینکه مردان چنین محدودیت‌هایی ندارند، در یک‌سوم اوقات علی‌رغم تمایلات جنسی، امکان ارتباط با همسر خود را ندارند. ازاین‌رو، جواز این حکم و اصل وجود آن، راهکاری شرعی برای جلوگیری از گناه در اختیار مردانی قرار می‌دهد که تحمل این دوره‌های امتناع را ندارند. چنان‌که باید توجه داشت که در اسلام به اتفاق فرق مذهبی، شمار مردانی که به این اقدام دست می‌زنند، به طبیعت بسیار محدود و تحت نظارت است. افزون بر این، چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، این حکم اجتماعی شرع مقدس، مشروط به حدود و شرایط سخت‌گیرانه‌ای است، ازجمله رعایت عدالت.

همچنین باید متذکر شد که تأمین کلیه هزینه‌های معیشتی زنان و فرزندان متناسب با شأن هر یک، بخشی از تعهدات مالی مرد محسوب می‌شود و تخلف از آن، همسان با نقض شرع و قانون است. به باور طرفداران جواز تعدد زوجات در عصر حاضر، هیچ‌یک از عوامل تاریخی موجد این حکم از میان نرفته‌اند، بلکه در پاره‌های موارد، به‌ویژه با گسترش رسانه‌ها، پدیده جهانی شدن و افزایش محرک‌های جنسی در جوامع معاصر، حتی

شاهد کاهش میانگین سن بلوغ جنسی در هر دو جنس هستیم. این امر نشان می‌دهد که بشر امروز بیش از گذشته نیازمند روابط مشروع است، روابطی که نه تنها پاسخگوی نیازهای متقابل زن و مرد در چارچوب طبیعی نوسانات غریزه جنسی باشد، بلکه بتواند در برابر پیامدهای نگران‌کننده دستکاری‌های ژنتیکی پیش و پس از تولد که امروزه به اوج خود رسیده، نیز ایستادگی کند.

در این تحلیل، مسئله جواز تعدد زوجات پدیده‌ای دوسویه برای زنان و مردان تلقی می‌شود. بر پایه آمارهای جمعیتی کنونی به‌ویژه در کشورهای اسلامی، این جواز بیش از آنکه امتیازی برای مردان باشد، خدمتی به حقوق زنان محسوب می‌گردد.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با بررسی مسئله تعدد زوجات در چارچوب شریعت اسلامی و قوانین احوال شخصیه کشورهای اسلامی، به تحلیل ابعاد فقهی و حقوقی این پدیده پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تعدد زوجات در اسلام با شرایط و ضوابط دقیقی همچون رعایت عدالت و... مجاز شمرده شده است. این حکم نه تنها پاسخگوی نیازهای طبیعی و اجتماعی جوامع اسلامی است، بلکه در صورت رعایت شرایط می‌تواند به حل معضلاتی مانند حمایت از بیوه‌زنان و افزایش نسل و کاهش پدیده تجرد کمک کند. با این حال، پابندی به عدالت و ضوابط حاکم بر چند همسری می‌تواند، ثبات نظام خانواده را افزون‌تر نماید. قوانین کشورهای اسلامی در این زمینه متنوع است، برخی مانند تونس و ترکیه آن را ممنوع کرده‌اند، برخی دیگر مانند عراق و سوریه آن را مشروط به اجازه دادگاه دانسته‌اند و برخی مانند ایران و مصر با وضع شرایطی خاص آن را مجاز شمرده‌اند. در نهایت، این مقاله با تأکید بر ضرورت رعایت موازین شرعی و اخلاقی در اجرای تعدد زوجات پیشنهاد می‌کند که قوانین مربوطه به‌گونه‌ای اصلاح شوند که از سوءاستفاده‌ها جلوگیری کرده و حقوق تمامی اعضای خانواده را تضمین کنند. همچنین، به دیدگاه‌های انتقادی و ارائه راهکارهای عملی برای کاهش آثار منفی این پدیده، در راستای تحقق تعادل بیشتر در نظام خانواده و جامعه توجه نمایند.

به‌علاوه، پیشنهاد می‌گردد، تعدد زوجات در چارچوب مقررات اسلامی و با رعایت شروط زیر جایز است:

۱. اقتضای مصلحت فردی و اجتماعی؛

۲. رعایت عدالت.

همچنین ضروری است ضمانت‌های اجرایی و مجازات‌های قانونی برای موارد تخلف از این شرایط پیش‌بینی شود تا از سوءاستفاده و تضییع حقوق زنان جلوگیری گردد. این رویکرد در عین حفظ اصول فقهی، تضمین‌کننده حقوق انسانی و اجتماعی تمامی طرفین است.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابن عابدین، محمد امین. (بی‌تا). رسایل ابن عابدین. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن فارس، احمد. بی‌تا. معجم مقاییس اللغة. چاپ اول. بیروت: مرکز النشر مكتب الاعلام الاسلامی.
- ابن نجیم، زین الدین (۲۰۰۲). البحر الرائق شرح كنز الدقائق. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابو زهره، محمد (۱۹۵۸). محاضرات فی عقد الزواج وآثاره. مصر: مطبعة مخیر.
- ابو زهره، محمد (۱۹۶۳). الاحوال الشخصية. چاپ اول. قاهره: دارالفکر العربی. ۲۲۸.
- ایروانی، باقر، (۱۴۲۸ق). دروس تمهیدیه فی تفسیر آیات الأحکام، دار الفقه للطباعة و النشر - قم - ایران.
- باجوری جمال محمد فقی رسول، (۱۹۸۶). المرأة فی الفكر الاسلامی، عراق: بی‌نا.
- بحرانی، سید هاشم حسین (۱۴۰۵). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: اسماعیلیان.
- بوطی، محمد سعید رمضان، (۱۹۹۶). المرأة بین طغیان النظام الغربی و لطائف التشريع الربانی، دمشق: بی‌نا.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۹۹۰). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حائری، سید علی بن محمد طباطبائی (۱۴۱۸). ریاض المسائل (ط - الحدیثه)، قم، مؤسسه آل‌البت (علیه السلام).
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۰). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: دارالاحیاء التراث العربیة.
- حسنی، هاشم معروف (۱۴۱۱). تاریخ الفقه الجعفری، در یک جلد، دارالکتاب الإسلامی.
- حسینی واسطی، محب الدین سید محمد مرتضی. (۱۴۰۶). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار مکتبه.
- حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۰). تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة (ط - الحدیثه)، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
- حلّی (۱۴۱۹). تذکره الفقهاء. نجف: مکتبه الرضویه الاحیاء الآثار الجعفریة.
- خرم دل، کاظم و همکاران (۱۴۰۰). «چند همسری و پیامدهای روانی و اجتماعی آن برای زنان»، مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت، سال ۸، شماره ۵.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۴). مصباح الفقاهه. قم: انتشارات داوری.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۸). الفقه الاسلامی و ادلته. دمشق: دارالفکر المعاصر.
- زلمی، مصطفی ابراهیم (۱۳۹۰). فلسفه احکام قرآن، سنندج: آراس.
- سباعی، مصطفی (۱۴۱۷). شرح قانون الاحوال الشخصية. بیروت: المکتب الاسلامی.
- شلبی، محمد مصطفی (۱۳۷۰). احکام الاسره فی الاسلام. بیروت: دارالنهضة العربیة.
- شیرازی، سید صادق حسینی (۱۴۲۸). ألف مسألة فی بلاد الغرب، بیروت، دارالعلوم - مؤسسه الإمامة.
- طباطبائی، محمد حسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶). مجمع البحرين. تحقیق مؤسسه البعثه. تهران: مؤسسه البعثه.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الامامیه. تهران: مکتبه المرتضویه.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷). الخلاف فی الأحکام. قم: جامعه مدرسین.
- عبدالحمید محمد، محمود (۱۹۹۰). حقوق المرأة بین الاسلام والديانات الاخری، قاهره: بی‌نا.
- عبدالغنی محمد، صلاح (۱۹۹۸). وسائل الاسلام فی المحافظة علی الحیاة الزوجیة، مصر: بی‌نا.
- فراج حسین احمد (۱۹۹۷). احکام الاسره فی الاسلام. اسکندریه: دارالجامعه الجدیده.

- فیومی مقری، احمد بن محمد. (۱۴۰۵). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير. قم: دارالهجره.
- قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۴۱۲). الجامع لاحکام القرآن. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- کیسی، احمد، (۱۹۹۰). فلسفه نظام الاسرة فی الاسلام، بغداد: بی.نا.
- کرکی، علی بن حسین (۱۴۰۸). جامع المقاصد. قم: آل البيت (علیهم السلام).
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. تهران
- محمدی، نعمه، آسکانی، خان محمد (۱۳۹۴). «مطالعة سلامت روانی مردان با تأکید بر سنت چندهمسری در شهرستان سرباز»، مجله زن در فرهنگ و هنر، دوره ۷، شماره ۲.
- محمصانی، صبحی (۱۹۵۷). الاوضاع التشريعية فی الدول العربية ماضیها و حاضرها. بیروت: دار العلم للملایین.
- مروج، حسین (۱۳۷۹). اصطلاحات فقهی. چاپ اول. قم: نشر بخشایش.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱). الفقه علي المذاهب الخمسة. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). المقنعة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۳). انوار الفقاهه. قم: مدرسه الامام امیر المومنین (علیه السلام).
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۱۰). البیع. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۱). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- یزدی، محمد (۱۴۱۵). فقه القرآن (للیزدي)، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- قانون «حقوق العائله» عثمانی. مصوب سال ۱۹۱۷م.
- قانون «حقوق العائله» لبنان. مصوب سال ۱۹۱۷م.
- قانون احوال شخصیه امارات. مصوب سال ۱۹۷۹م.
- قانون احوال شخصیه کویت. قانون شماره ۵۱ مصوب سال ۱۹۸۴م.
- قانون احوال شخصیه کویت. مصوب سال ۱۹۹۶م.
- قانون احوال شخصیه مصر. قانون شماره ۱ مصوب سال ۲۰۰۰م.
- قانون احوال شخصیه مصر. قانون شماره ۲۵ مصوب سال ۱۹۲۰م.
- قانون احوال شخصیه مصر. قانون شماره ۲۵ مصوب سال ۱۹۲۹م.
- قانون احوال شخصیه مصر. قانون میراث شماره ۷۷ مصوب سال ۱۹۴۳م.
- قانون احوال شخصیه مصر. قانون وصیت شماره ۷۱ مصوب سال ۱۹۴۶م.
- قانون احوال شخصیه مغرب. الصادر باسم. مدونه الاحوال الشخصيه المغربية. مصوب سال ۱۹۵۷م. اصلاحات ۲۰۰۴م.
- قانون احوال شخصیه اردن. شماره ۶۱ مصوب ۱۹۷۶ اصلاحات شماره ۸۲ سال ۲۰۰۱م.
- قانون احوال شخصیه جمهوری عراق. شماره ۱۸۸ مصوب سال ۱۹۵۹م.
- قانون احوال شخصیه جمهوری یمن. شماره ۲۰ مصوب سال ۱۹۹۲م.
- قانون احوال شخصیه سوریه. مصوب سال ۱۹۵۳ با اصلاحات سال ۲۰۰۷م.
- قانون ازدواج جمهوری اندونزی. شماره ۱ مصوب سال ۱۹۷۴م.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. مصوب سال ۱۳۵۸ ه.ش.
- قانون الازدواج فی اندونسیا. مصوب سال ۱۹۷۴م.
- قانون الأسره الجزایر. حسب آخرین تعديل، ۲۰۰۵م.

قانون الأسره قطر. قانون شماره ۲۲ مصوب سال ۲۰۰۶ م.

قانون مجله احوال شخصیه تونس. مجله واجبات الطیب فی الرائد الرسمي للجمهوریه التونسيه. ۱۹۵۶. اصلاحات ۱۹۹۳ م.

قانون مدنی ایران. مصوب سال ۱۳۰۷ ه. ش.

قانون مدنی جمهوری ترکیه. مصوب سال ۱۹۲۶ م.